فرآیند جهانی شدن و نقش روابط عمومی در قرن بیست و یکم

محمدی، علی

اگر دهه‏ی هشتاد مسیحی را به عنوان آغاز جهانی شدن‏ بدانیم،اکنون نزدیک به یک ربع قرن است که از فرایند جهانی شدن‏ می‏گذرد.پرسشی که در اینجا برای ما مطرح می‏شود این است که‏ جهانی که ما در آن زندگی می‏کنیم تا چه اندازه‏ای با نیروهای متفاوت‏ جهانی و فرآیندهای گوناگون تغییر یافته است و این پدیده‏ای که ما آنرا جهانی شدن می‏دانیم را بوجود آورده است.در این ربع قرن ما شاهد دو فرایند بوده‏ایم،در یک دهه و نیمه اول با تحولات شگرفی که در زمینه‏ فن آوری اطلاعات پدید آمده بود،فرآیند جهانی شدن به سرعت در حال پیشرفت بود و مقیاس رشد و گسترش سرعت و اثرات عمیق آن، بر سراسر پنچ قاره کره زمین و به طور کلی شیوه‏ی کنش اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جهان،اثر گذاشته بود.با ارتباطات از راه دور،روابط سیاسی،اقتصادی و اجتماعی خود را به اقصی نقاط دنیا گسترش داده‏ بود و زمینه‏های مساعدی را برای نزدیک شدن فرهنگ‏های متفاوت‏ و هماهنگی فرهنگی و اقتصادی بوجود آورده بود و سرعت تقارب‏ فرهنگی همگام با توسعه جامعه مصرفی و شباهت‏های شیوه‏های‏ مصرف در بین ملل،موضوع بحث سلطه فرهنگی را مطرح کرده بود و این موضوع کم کم عقده‏های عمیق سیاسی و فرهنگی و همین طور تضادهای قومی را که از دیرباز مخفی شده بود باز کرده بود و جهان را با یک فرایند نامطمئن و ناپایدار روبرو کرده بود.برای مثال شش ماه‏ بعد از انفجار نیویورگ و واشنگتن در یازدهم سپتامبر 2001،کشور انگلستان با سرعت قوانین مربوط به تروریسم و امنیت ملی را به تصویب‏ پارلمان رسانید که اغلب مواد آن مغایر با حقوق بشر بود.روی این اصل‏ بین ملیونها مسلمان شهروند انگلستان تنش جدیدی بوجود آمده مضافا اینکه موضوع حمایت بی قید و شرط دولت انگلیس از سیاست امریکا در مورد تروریسم موضوع داغ در رسانه‏های ارتباطی انگلیس شد که هنوز هم ادامه دارد.کشورهای عرب بجز عراق حمله انتحاری یازده سپتامبر را محکوم کردند و همزمان با این بیانیه ادامه جنگ در افغانستان و حمایت آمریکا از اسرائیل را مورد انتقاد شدید قرار دارند.اکثر کارشناسان‏ تصور می‏کردند انفجار نیویورک و واشنگتن موجب کاهش خونریزی‏ بین اسرائیل و فلسطین شود در حالی که نتیج عکس آنچه تصور میرفت شد.اروپا تنها از سیاست یک طرفه آمریکا در حمله به عراق‏ طرفداری نمی‏کرد و همین طور نسبت به دخالت نظامی آمریکا در افغانستان،از این موضوع حمایت کنند.بعد از یازده سپتامبر دولت‏ آمریکا متوجه شد که در تهدید گروه‏های انتحاری است و از همین رو بودجه نظامی خود را%14 افزایش داد و ده‏ها هزار مهاجرین غیر قانونی‏ را بازداشت و از آمریکا نزدیک‏تر شد به طوریکه در ملاقات جرج‏ بوش با پوتین مذاکرات تغییر در ساختار ناتو و قبول عضویت در روسیه به‏ پیمان نظامی ناتو مطرح شد.

روابط چین و آمریکا به قدر قابل توجهی بهبود یافت در حالیکه‏ سابق بر این پکن به عنوان دشمن تلقی می‏شد،از آن پس بعنوان‏ یک شریک و همکار اقتصادی آمریکا قلمداد گردید.در این موقعیت‏ چینی‏ها هم از فرصت استفاده کردند و به بودجه‏ی نظامی خود افزودند.با تأسیس دولت افغانستان به رهبری حامد کرزای و کاهش‏ جنگ داخلی در افغانستان و نزدیکی افغانستان و پاکستان،امکان‏ تنش جدی در منطقه بطور قابل ملاحظه‏ای کاهش یافت.در جنوب‏ شرقی آسیا هم دولتهای اندونزی و فلیپین به مبارزه جدی علیه‏ گروه‏های انتحاری اسلامی بسیج شدند.اگر به طور دقیق توجه‏ کنید یک حادثه محلی در شهر نیویورک،به علت پوشش تلویزیونی‏ جهانی و دسترسی تلفن تصویری و مشاهده آنی جنبه جهانی گرفت‏ و از سپتامبر 2001 تا کنون تصویر کلیه کشورهای اسلامی در جهان‏ آسیب پذیر شده است و هر فرد مسلمانی حتی اگر مؤمن هم نباشد فقط به استناد نام و محل تولد،متهم به تروریست بهترین مورد کارکنان فرودگاه دوگل در فرانسه هستند که به اتهام مسلمان بودن از کا بر کنار شدند.در چنین شرایطی که بر فضای موجود رسانه‏های‏ جهانی حاکم است،نقش سازمانهای روابط عمومی اعم از دولتی و خصوصی بسیار برجسته و فعال خواهد شد.تا کنون کشورهای‏ عربستان،مصر و اردن با وجودی که اکثر گروههای انتحاری متعلق‏ به آن کشورها بوده‏اند با مهارت کار گزاران روابط عمومی و دیپلماسی‏ پیشرفته‏ای که دارند توانسته‏اند احساسات ضد مصری و اردنی و سعودی را بطور قابل ملاحظه‏ای خنثی کنند و در بین این کشورها عربستان سعودی و اردن از همه موفق‏تر بوده‏اند.علاوه بر فعالیت‏های ارتباطی سفیر عربستان سعودی در واشنگتن پیوسته در محافل با نفوذ و پر قدرت آمریکا می‏کوشد تصویر عربستان سعودی‏ و حکومت آنرا کاملا مجزا از تصویری که گروه‏های انتحاری عربستان‏ سعودی به وجود آورده‏اند بنماید.می‏شود با اطمینان گفت مطابق‏ شواهد موجود،عربستانی‏های تاکنون موفق شده‏اند و با حمایت‏ سازمانهای روبط عمومی و استفاده از کار شناسان روابط عمومی و با استفاده از لباسهای محلی در محافل سیاسی و ایراد سخنرانی و جلب توجه مدیران شرکت‏های بزرگ،حتی با توجه به عملیات تروریسیت‏ در مورد کارشناسان نفتی آمریکا و انگلیسی در سال‏های اخیر،تصویر مطمئن و معتبری از کشور خود به مردم آمریکا القا کنند.دیپلمات‏های‏ کشورهای عربی که از کارشناسان روابط عمومی استفاده کرده‏اند، توانسته‏اند تصویر کشورهای خود را از آسیب پذیری مصون نگه دارند.

اکنون مضاف بر حمله انتحاری یازده سپتامبر و حمله هوائی و زمینی‏ آمریکا به عراق،گسترش ناگهانی آنفولانزای مرغی،بیماری ایدز و جنون گاوی و بحث پژوهشی سلول تباری،بحران محیط زیست، تولید غذاها جی ام (GM) و...همه این موضوعات دنیای ما را نامطمئن و کشورهای در حال توسعه را به مراتب اولی‏تر مواجه با حرمان و ناامیدی کرده است به نحوی که در حال حاضر این دنیا در فرآیند جهانی شدن با یک بی نظمی و آینده‏ای بسیار نامطمئن روبرو است.آنچه تا به حال به عنوان مقدمه مطرح شد تلاش من بر این‏ است که وضع موجود جهان را در رابطه با آنچه در قرن گذشته بوده‏ است خلاصه کنم و نقشی که حرفه و سازمان روابط عمومی می‏تواند داشته باشد و به طور اختصار بیان کنم زیرا تا به حال اینکه هدف و وظایف سازمان‏های بین المللی مانند سازمان ملل،بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و سازمانهای‏ ارتباطات بین المللی در فرآیند جهانی شدن چه بوده است تعداد بیشماری کتاب،مقاله تدوین شده است و با وجود اینکه رسانه‏های‏ جهانی از فرآیند جهانی شدن حمایت می‏کنند تصور چنین بوده است‏ که فرآیند جهانی شدن با توسعه دموکراسی از طریق آزادی بازار احتمالا به حل مسائل بشری کمک خواهد کرد.با مرور ادبیات‏ موجود در زمینه و نگرانی‏های موجود نسبت به فرآیند جهانی‏ شدن در ربع قرن گذشته به پنج نگرش متفاوت به فرآیند جهانی‏ شدن برخورد می‏کنیم.مکتب طرفدار جهانی شدن به طور مثبت به‏ جای نقد کردن به فرایند جهانی شدن گرایش دارد:سازمان‏های‏ بزرگ و بین المللی که از جهانی شدن بهره می‏برند به طرفداری از این‏ گروه‏های می‏پردازند و اغلب معتقدند که جهانی شدن اقتصاد اثر مهمی بر تغییر قدرت دولت و ملت در پایان دهه 1990 داشته است، همین طور با بررسی شواهد موجود در فرآیند جهانی شدن اقتصاد در مقیاس عظیم جهانی به این نتیجه می‏رسیم که تفاوت‏های فرهنگی‏ و ملی به طور قابل ملاحظه‏ای کاهش می‏یابد و گرایش به سوی‏ هزمونی فرهنگی و اقتصادی افزایش می‏یابد هر چند کاهش استقلال‏ دولت توسط تقویت قوانین مالی و بین المللی از طریق بانک جهانی‏ و صندوق بین المللی پول به افزایش جریان تجارب جهانی و سرمایه گذاری بیشتر کمک می‏کند.اغلب استفاده کنندگان این تحول‏ جهانی کشورهایی مانند آلمان،انگلستان،هلند،آمریکا و فرانسه بوده‏ اند.نکته‏ای که در این جا حائز اهمیت است این است که بعد از جنگ‏ جهانی دوم تا اوائل دهه 1990 تنها شرکت‏های آمریکایی می‏توانستند ارزش سهام خود را از دوازده میلیارد دلار به چهارصد میلیارد دلار افزایش‏ دهند و این سود باد آورده ناگهانی به گروههای بدبین فرآیند جهانی‏ شدن کمک کرد که اعتراض خود را نسبت به چپاول ثروت‏های‏ کشورهای در حال توسعه در قالب تظاهرات خشن در کشورهای‏ سیاتل (Seatel) آمریکا و ایتالیا و شهرهای دیگر که گروه‏های کشورهای‏ صنعتی جلسه برگزار می‏کردند اعلام کنند.

اکنون جمعیت یک سوم کل کره زمین در نهایت فقر زندگی‏ می‏کنند همین طور فرار سرمایه خصوصی از کشورهای در حال‏ توسعه به سوی کشورهای‏ صنعتی غرب سالیانه معادل 70 میلیارد دلار است که با توجه به‏ این عدم تعادل اقتصادی و مالی‏ نگرش دیگری در زمینه جهانی‏ شدن پدید آمده است که آنرا جهانی شدن مشروط می‏ نامند به این معنا که فرآیند جهانی شدن باید توأم با مروت انسانیت باشد چون هر روز که جهان‏ بیشتر به هم وابسته و مربوط می‏شود باید یک سلسله نهادهای اصلاح‏ طلب برای آینده بشر به وجود آید.

فرآیند جهانی شدن باید به خواسته‏های اکثریت خاموش و آنهایی‏ که از خواسته‏های خود محرومند و تساوی و گسترش با انصاف در سهم جهان حق آنها است توجه خاص مبذول دارد.

امروزه ما باید راهی بیابیم که آینده جهانی شدن را پایدار کنیم.

جهان بدون مرز و حرکت سرمایه از شمال به جنوب باید مربوط به‏ نیازهای اولیه مردم جنوب باشد برای اینکه قبل از فرآیند جهانی شدن‏ موضوع غذا،مسکن،سواد خواندن و نوشتن در کل نیازهای اولیه‏ی‏ انسان مطرح است؛در حال حاضر گروه‏ههای ضد جهانی شدن قوی‏ شده‏اند و فریاد اعتراض آنان رسا شده است بسیاری از محققین‏ موضوع جهانی شدن و اخلاق اقتصاد دانان نو اندیش و سیاستمدارانی‏ که از آنان پیروی می‏کنند را به چالش می‏گیرند و می‏گویند اینها می‏خواهند الگوی آمریکایی قابل توقف نیست و با سرعت هر چه تمام‏تر اساس و پایه را تخریب و این پایداری نسبی را نابود خواهد کرد بطوری که دولت‏های ملی قادر به انجام وظائف خود نخواهند بود.

گزارش بخش توسعه سازمان ملل متحد در سال 1992 به صراحت‏ مشخص می‏کند که 20 درصد از مردم کشورهای ثروتمند دارای‏ ثروت 7/82 درصد از کل ثروت جهان هستند که این امر در حقیقت‏ نتیجه جهانی شدن شرکت‏های فراملی و آزادی در بازار جهانی است‏ گروههای ضد سرمایه داری که این فرایند را اهانت به دموکراسی‏ می‏دانند در سال 1999 که جنبش ضد سرمایه داری در مراحل اولیه‏ بود اولین تظاهرات اعتراض آمیز خود را نسبت به کنفرانس 8 G در شهر ساتل آمریکا نشان دادند.یکی از کارشناسان در اعتراض به‏ فرایند جهانی شدن باید به‏ خواسته‏های اکثریت خاموش و آنهایی‏ که از خواسته‏های خود محرومند و تساوی و گسترش با انصاف در سهم‏ جهان حق آنها است توجه خاص‏ مبذول دارد.

کنفرانس جهانی اظهار داشت که نظام دموکراسی جهان دارای یک‏ دشمن است و آن نظام سرمایه داری شرکت‏های فراملی است.

هدف عمده این نظام سرمایه داری اعم از مالی یا صنعتی این است که‏ هر کجا که مایل است سرمایه گذاری کند و هر چه می‏خواهد سود ببرد رعایت هیچ اخلاقی و اصولی.بر علیه لجام گسیختگی و زیاده طلبی مردم کشورهای جهان باید بپاخیزند و آن را متوقف کنند خواسته‏های جنبش ضد سرمایه داری دموکراسی بین المللی است.

عنوان اعتراض به فرآیند سرمایه گذاری‏ در هر کشوری که برگزار شود جمع می‏شوند و اعتراض‏ خود را به گوش مردم جهان‏ می‏رسانند که در این تظاهرات‏ هر ساله عده‏ای از معترضین‏ کشته می‏شوند.اگر با دقت به‏ خواسته‏های جنبش ضد سرمایه‏ داری توجه کنید این گروهها با جهانی شدن مخالف نیستند بلکه ضد سرمایه داری شرکت‏های ماوراء ملی هستند که در عمل‏ مخالف دموکراسی هستند،در کنفرانس اخیر گروه هشت هزینه‏ کنفرانس جهانی شدن سه برابر بودجه بهداشت عمومی کشور تانزانیا بود و در نهایت در این اجلاس مورد بخشیدن دیون کشورهای جنوب‏ موافقت به عمل نیامده و این در حالی است که هر روز بالغ به بیست‏ هزار کودک در کشورهای فقیر فوت می‏کنند ولی بانک داران حتی‏ حاضر نشدند از منافع سود وامهای خود به کشورهای جنوب چشم‏ پوشی کنند.

علاوه بر این نگرش دیگری هم به جهانی شدن هست که من‏ آن را اخیرا در کتاب خود که فارسی آن در دست انتشار است تحت‏ عنوان‏"جهانی شدن با استعمار درباره مورد شناسی کشورهای اسلامی‏ در قرن بیست و یکم‏"به طور شفاف تشریح کرده‏ام یکی از مسائل‏ عمده کشورهای در حال توسعه به طور اعم و کشورهای اسلامی به‏ طور اخص این است که چگونه تحولات سریع جهانی را در نظام‏ اقتصاد ملی خود دخالت دهند،در حالی که بسیاری از کشورهای‏ مسلمان فاقد ساختار سیاسی و اجتماعی ضروری برای پذیرش نظام‏ اقتصادی جهانی هستند؟دخالت اقتصاد جهانی و سیاست‏های‏ منوط به آن،فرآیند توسعه و نظام ملی اقتصادی در اندونزی نتوانست‏ سیاست‏های تجویزی مالی بانک جهانی و صندوق بین المللی را بپذیرد،روی این اصل اقتصاد کشور اندونزی مواجه با ورشکستگی‏ شد همین طور بسیاری از کشورهای اسلامی بویژه آنهای که درآمد سرشاری از نفت دارند با فرایند جهانی شدن چندان موافقتی‏ ندارند چرا که با اشاره مختصری به کشورهای اسلامی در رابطه با فرایند جهانی شدن،این مسئله آشکار خواهد شد.

مطابق نقشه فعلی جهان،کشورهای اسلامی از شمال غرب‏ آفریقا تا جنوب شرق آسیا از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام و از دریای مدیترانه تا اقیانوس هند گسترش دارد.اغلب راههای آبی‏ و تجارتی جهان از تنگه هرمز گرفته تا جبل اطارق و کانال سوئز احاطه دارد مطابق آمار سال 1998 جمعیت کره زمین بیش از 5 میلیارد و 87 میلیون نفر تخمین زده شده است که 1 میلیارد و 31 میلیون نفر این جمعیت مسلمان هستند که بیش از 22 درصد جمعیت کره زمین را تشکیل می‏دهند،مضافا اینکه بیش از 30 میلیون و 500 هزار کیلومتر مربع کره زمین را احاطه کرده‏اند یعنی‏ معادل 8/22 درصد کل مساحت زمین را اغلب رهبران کشورهای‏ اسلامی قادر نیستند تضادهای بین همدیگر را حل کنند و بعد از خروج روسها از افغانستان نتوانستند صلح پایدار را به افغانستان‏ بازگردانند.امروزه کشورهای اسلامی تولید کننده دو سوم‏ نفت جهان و دارنده بالاترین ذخیره گازی در جهان هستند بعلاوه معادن‏ بسیاری که از نقطه نظر راهبردی برای کشورهای صنعتی بسیار مهم است را در اختیار دارند علاوه بر این هنوز در معامله قدرت‏ جهانی بخصوص در سازمانهای بین المللی تریبونی برای خود بدست نیاوده‏اند.مضاف بر این موقعیت کشورهای اسلامی در فرآیند جهانی شدن بسیار عقب نگه داشته شده بویژه از نقطه نظر اجتماعی،اقتصادی و سیاسی.اکنون توجه شما را به فرآیند سرمایه داری جهانی جلب‏ می‏کنم ما نمی‏توانیم در مورد سرمایه داری جهانی صحبت‏ کنیم بدون اینکه به وظائف‏ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی توجه نکنیم: از آغاز دهه 1980 نهادهای‏ بین المللی جهان نقش‏ بسیار مؤثری در انتقال‏ سرمایه از ملی به جهانی ایفا کرده‏اند،این‏ فرآیند بعد از سقوط بلوک کمونیست سریعتر شد و برای اولین بار سرمایه داری بدون دشمن ایدوئولوژیک همراه شده است.پرسشی‏ که در اینجا مطرح است سرمایه داری جهان در قرن بیست و یکم‏ بدون دشمن شده است ولی اغلب کشورها که در نظام دو قطبی‏ زندگی می‏کردند هنوز نتوانستند با نظام تک قطبی سرمایه دار جهانی سازش پیدا کنند.چگونه ما می‏توانیم در صلح با این نظام‏ جدید زندگی کنیم این یک مسأله است که ما با آن روبرو هستیم‏ سازمان‏های موجود بین المللی دنیا نتیجه دنیای دو قطبی بعد از جنگ جهانی دوم بوده‏اند و وظایف و اهداف آنها کاملا مشخص‏ بود.وجود آنان برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم به کشورهای در حال توسعه بود و امروزه بعد از 60 سال هدف و وظایف این سازمانها مورد پرسش جدی قرار گرفته است،چرا چون سرمایه داری‏ مطابق گزارش بخش توسعه سازمان‏ ملل متحد در سال 1996 بیش از 800 میلیون نفر از مردم جهان غذای کافی‏ نداشته‏اند،500 میلیون از کمبود غذا و بد غذایی رنج می‏برده‏اند.

دشمنی نیست و بانک جهانی با داشتن 176 عضو بزرگترین بانک‏ توسعه جهانی است و هر سال بیش از 20 میلیارد دلار به کشورهای‏ در حال توسعه وام می‏دهد یکی از وظایف این نهاد مالی کاهش‏ فقر در دنیا و گسترش توسعه پایدار است هیچکدام از این اهداف‏ عملی نشده است و از سوی دیگر توسعه فن آوری اطلاعات تحولات‏ شگرفی در فرآیند جهانی شدن پدید آورده است اگر ما تقسیم‏ بندی جدید دنیا را به شمال و جنوب قبول کنیم این عدم تساوی‏ چشم گیر ما بین شمال و جنوب را نمی‏توان ندیده گرفت ما امروز شاهد هستیم که چهار پنجم منابع اقتصادی جهان اختصاص به‏ بهداشت کشورهای پیشرفته دارد در حالیکه آنها فقط%8 بیماری‏های جهان را دارند و%60 درآمد جهان متعلق به آنهاست و همین طور%80 تجارت جهان نیز از آن کشورهای پیشرفته است‏ در حالیکه‏%20 از جمعیت جهان را دارا هستند آیا بی انصافی بالاتر از این می‏تواند باشد.مطابق گزارش بخش توسعه سازمان ملل‏ متحد در سال 1996 بیش از 800 میلیون نفر از مردم جهان غذای‏ کافی نداشته‏اند،500 میلیون از کمبود غذا و بد غذایی رنج می‏برده‏اند در پانزده سال گذشته بیش از صد کشور جهان از رشد ناقص و کاهش سطح زندگی و افزایش فقر رنج برده‏اند.اکنون با توجه به‏ آنچه در ربع قرن اخیر در دنیا گذشته است شما می‏توانید با بالا بردن سطح دانش خود و کارآمد کردن تخصص خود در زمینه‏ مردم داری یا به عبارت امروزی روابط عمومی،دقت کنید در این‏ بحرانی که جهان ما را فرا گرفته است‏ چگونه می‏توانید تصاویری‏ توأم با آرامش،امید به آینده و محیطی که در آن انجام وظیفه‏ می‏کند القا کنید؟مسلما وظیفه‏ و کار شما آسان نیست بویژه‏ اینکه تحولات شگرفی که در جهان پیرامون شما پدید آمده‏ است،آینده دنیا را بسیار نامطمئن‏ و بی هدف کرده است.آرمان مردم‏ جهان در قرن بیست و یکم چیست اگر مبنای جهانی شدن،بودن‏ آزادی تجارت و بازار یعنی آزادی و دموکراسی برای همه پس‏ کار گزاران روابط عمومی چه باید بکنند چون وظیفه آنها شفاف گوئی، درستی و ایجاد اعتبار برای سازمان خود و توسعه همبستگی و همدلی و از همه مهمتر دنیای بهتر خواهد بود و با این وضعیت‏ جهانی،دستیابی به این مولافه‏ها بس دشوار خواهد بود امید به‏ آینده در نگرش مردم بسیار مهم است اگر این مقوله‏های وسیع را به عنوان هدف کار گزاران بپذیریم ما پیوسته نیاز به آموزش و کارگاههای آموزشی داریم که دانش خود را با تغییراتی که در پیرامون ما پدید آمده است بهنگام کرده و با برگزاری کنفرانس‏ها و کارگاه‏ها،دانش افراد شرکت کننده را در خصوص وظایف‏ روابط عمومی در این وضعیت بحرانی تشریح نماییم.